بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

بحث در وظائف آموزشی خانواده بود، البته ادله­ای که ما می­آوردیم، ادله­ای است که در مسائل تربیتی هم به کار می­رود. ازجمله این ادله در زمینه وظائف آموزشی خانواده، آیات بود که داشتیم بررسی می­کردیم. یکی از این آیات، آیه­ای از سوره تحریم بود: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نارا»(تحریم/6)

# دلیل دوم: آيه شش سوره طلاق

آیه دیگر آیه شش سوره طلاق است: «وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوف‏»(طلاق/6) عمده آیاتی که در این سوره است، مربوط به مباحث خانواده، آن هم بحث طلاق و عده طلاق و امثال این­ها مي­باشد. این آیه شریفه را از ابتدا می­خوانم:

«يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ»(طلاق/1) یکی از محورهای اصلی در این آیه، بحث عده است و احکام عده و طلاق و ... و همین طور ادامه می­یابد تا به برخی از احکام رضاع و شیردهی بچه در طول طلاق و بعد از طلاق اشاره مي­كند.

# نكات تربيتي آيه ششم

آیه ششم این است: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَ لا تُضآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِن‏»(طلاق/6) این آیه مربوط به زنان مطلقه­اي است كه در عده به سر مي­برند. به نكات تربيتي اين آیه در جهت آموزش وظائف خانوادگی اشاره می­کنیم:

## نكته اول

این آیه می­فرماید که در حال عده از آن توانمندی خودتان استفاده بکنید و در جای مناسبی آن‌ها را سکونت بدهید؛ چون حق سکنی در هنگام عده بر عهده مرد است و باید در دوره عده هم آن حق را حفظ بکند. اسلام هم بر اين مسئله تأکید بسياري دارد.

## نكته دوم

تأکید اسلام بر مسئله قبل تا به آنجا می­باشد که در ادامه می­فرماید: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَ لا تُضآرُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِن‏»؛ یعنی به آن‌ها آسیب نزنید که زندگی به آن‌ها سخت بشود و سخت­گیری هم نکنید. در دوره عده هم باید به همان شکلی که قبلاً شما مسکن و امکانات برایشان فراهم می­کردید، رفتار کنید. «و لا تُضارُّوهُنََّ لِتُضَیِّقُوا علیهِنَّ» بسیار تأکید دارد.

## نكته سوم

«و إن کنَّ أُولات حملٍ ...»، این قسمت از آیه در مورد زنان بارداری است که در عده به سر می­برند. آیه درباره این دسته از زنان، تأکید ویژه­ای دارد. بعد در ادامه می­فرماید: «َّ وَ إِنْ كُنَّ أُولاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُن‏»؛ (طلاق/6) زیرا عده زن باردار، وضع حمل است.

## نكته چهارم

در مرحله بعد می­فرماید: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُن‏»(طلاق/6) بعد از اینکه عده تمام شد و بچه را وضع حمل کرد، با توافق یکدیگر به بچه شیر بدهد و این اولویت دارد و بابت اين كار، شما اجرشان را بدهید. این صورت اول است که ترجیح این است که شما اجر را بدهید، او هم بپذیرد و این بچه از خود مادر استرضاع بکند و شیر مادر را بخورد.

## نكته پنجم

در ذیل عبارات فوق‌الذکر می­فرماید: «وَ أتَمرُوا بَینکُم بمعرُوفٍ»؛ یعنی به شکل مناسبی با هم تعامل كرده و مشورت بکنید.

## نکته ششم

«وَ إن تَعاسَرتُم فَسَتُرضِعُ لُه أُخری»(طلاق/6) اما اگر با هم کنار نیامدید و توافق نشد که این مادر، بچه را شیر بدهد، یک زن دیگری بياید و به او شیر دهد، اما ترجیح و تأکید آیه شریفه این است که مادر این شیر را بدهد.

## نکته هفتم

تا جايي كه می­شود باید تلاش کرد که بچه از مادر شیر بخورد، حتی در دوره­ای که طلاق داده و در حال حمل است و این یعنی در زمانی که با یکدیگر زندگی می­کنند و طلاقی در بین نیست، به‌طریق‌اولی باید بچه شیر مادر را بخورد.

این­ها مقدمات بحث بود تا در فضای آیه بیاییم.

# دیگر وظایف آموزشی والدین

«فَإن أَرضَعنَ لکُم فَئاتُوهنَّ أُجُورَهنَّ وَ أتَمرُوا بینکُم بمعرُوف وَ إن تَعاسَرتُم فَسَتُرضعُ له أُخری». شاهدی که در این آیه است و استدلالی که به این آیه شده، عبارت «وَ أتَمرُوا بینکُم بمعرُوف» است و این عبارت به اين معنا مي­باشد که با هم به نحو درست، در جهت رشد و تربیت فرزندتان مشورت بکنید، البته به این مطلب تصریح نشده است، ولی می­شود این را از خود آیه و متعلقاتش فهمید، بنابراین شما در رشد و کمال و بالندگی فرزند خود، مسئولیت دارید، ازجمله بحث شیر و موارد دیگر.

## وجه استدلال

برخي وجه الاستدلال را اين طور بيان نمودند که «وَ أتَمرُوا»، عطف بر ما قبل بوده و خطابي براي ازواج مي­باشد و آیه هم فی مقام بیان حکم طلاق و اجرت إرضاع فرزند است و آنچه كه از آن استفاده می­شود، این است که بر زن و مرد واجب است در امور فرزند با هم مشورت کنند تا جدایی آنان سبب ضرر و خسارت فرزند نشود و این مسئله اختصاص به امر شیردهی فرزند ندارد و امور تربیتی طفل را هم شامل می­شود. گویا آیه می­فرماید که در امور فرزند، به آنچه که شأن اوست، واجب است با هم مشورت کنيد.

# جهات بحث در آیه «وِ أتمرُوا بینَکُم بِمعرُوفٍ»

## جهت اول: در مفردات آیه

جهت اول در مفردات این آیه است؛ یعنی ببینیم واژه­های آیه چه دلالتی دارند. اولین واژه­ای که در آیه آمده، «وَ أتَمرُوا» است.

### 1 ـ بررسي لغوي إئتمار

در مراجعه به کتب لغت می­بینیم که ماده امر دو مفهوم دارد:

#### 1 ـ 1 ـ مفهوم شأنی

#### 1 ـ 2 ـ مفهوم طلبی

### احتمالات مفهوم ائتمار

ائتمار به باب افتعال رفته و در مفهوم آن چهار احتمال وجود دارد:

#### احتمال اول

احتمال اول اين است که ائتمار به معنای قبول الامر باشد. اولین معنایی که به ذهن تبادر می­کند، همین احتمال است؛ زیرا اين واژه به باب افتعال رفته است و معنای متابعه را می­رساند. یکی از معانی رایج این باب و نيز باب انفعال، متابعه است، پس ائتمار یعنی قبول الامر.

بنا بر این احتمال مفهوم آیه «وَ أتَمرُوا بینکُم بمعرُوف» این است که امر یکدیگر را بپذیرید، مثلاً اگر کسی شما را امربه‌معروف می­کند، گفته می­شود: «إئتمر بأمره، امره بمعروف» و يا «إئتمر بامره». آن وقت به زن و شوهر این‌گونه می­گوید: «وَ أتَمرُوا بینکُم بمعرُوف» و اين يعني او تو را به خوبي­ها امر می­کند، تو هم امر او را به خوبی­ها بپذیر.

در قرآن و در ادبیات دینی ائتمار به معروف یعنی پذیرش امربه‌معروف و البته این خطاب به ازواج و زن و شوهر هر دو هست؛ یعنی زنان و مردان در فضای خانواده در فضای خانواده ائتمار به معروف بکنند، حتی در شرایط طلاق و دوره عده هم این طور است.

#### احتمال دوم

احتمال دوم این است که ائتمار به معنای تئامر باشد؛ یعنی یکدیگر را به معروف امر بکنید. بنا بر این احتمال باب تفاعل و به معنای مشارکت است؛ یعنی مرد زن را به معروف امر کند و زن هم مرد را به معروف امر کند، مثلاً در مسئله شیر دادن، تو به او امر کن که به بچه شیر بدهد و او هم به تو امر کند که به درستی با او رفتار کنی و هر دو هوای بچه را داشته باشيد، بنا بر این احتمال معنای آیه این می­شود که یکدیگر را به معروف توصیه بکنید، درست مانند «وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْر»(عصر/3)

اين احتمال دوم در مجمع البحرین و نیز در تبیان آمده است.

#### احتمال سوم

احتمال سوم این است که ائتمروا به معنای مشاوره و تشاور باشد. احتمال سوم در مفردات و نيز در مصباح المنیر و ساير کتاب­های لغت آمده است. بيان آن این‌گونه است که مشاوره و رایزنی میان زن و شوهر را ائتمار مي­گویند؛ زیرا وقتی که مشاوره می­کند؛ یعنی امر او را می­پذیرد، او هم امر او را می­پذیرد. از این جهت که در مشاوره ائتمار وجود دارد؛ یعنی قبول الامر من الشخص الاخر و اين یعني ائتمار را از معنای اول و اصلیش به معنای جدیدی که مشاوره باشد، منتقل کرده­اند.

بنا بر اين احتمال معناي «وَ أتَمرُوا بینکُم بمعرُوف» این است که با هم مشورت بکنید. همین مسئله در مورد طلاق هم بیان شده است که «فَإِنْ أَرادا فِصالًا عَنْ تَراضٍ مِنْهُما وَ تَشاوُرٍ- فَلا جُناحَ عَلَيْهِما» (بقره/233) اگر خواستند طلاق بدهند، از روی تراض و تشاور باشد. در اینجا هم ائتمار به معنای همان تشاور است. «وَ أتَمرُوا بینکُم بمعرُوف»؛ یعنی با همدیگر درباره فرزند مشورت کنید این‌جور نباشد که پدر یک گوشه­ای بنشیند و بگوید که اگر خوب شیرش نمی­دهی نده، من هم می­روم یک مرضع دیگر می­گیرم، بلکه می­گوید بنشینند و با هم مشورت کنند، حتی بعد از طلاق که البته ما می­گوییم اگر در عده این‌گونه است، به‌طریق‌اولی در دوره قبل طلاق هم این‌گونه است؛ یعنی این مراقبت­ها و مواظبت­ها را باید داشت، در حال جدایی و انفصال و عده و بعد از عده. چه قدر قرآن تأکید می­کند تا بچه آن فضای مناسب را داشته باشد. قاعدتاً این حکم با الغاء خصوصیت، یا تنقیح مناط، برای قبل طلاق هم هست، به‌خصوص در اینجا روی آن تأکید می­شود.

#### احتمال چهارم

احتمال چهارم که در لسان عرب آمده، این است که «وَ أتَمرُوا بینکُم بمعرُوف»؛ یعنی اهتمام بورزید، همت بکنید و تصمیم بگیرید که به خوبی رفتار بکنید و عزم به معروف داشته باشید، البته وجه مناسبتش بيان نشده است. شاید وجه مناسبت آن این باشد که ائتمار به معنای قبول امر است این قبول امر در جایی است که عزم و اراده­ای باشد. آن وقت به این مناسبت ائتمار را به معنای عزم و اراده دانسته­اند و اين یعنی عزم و اراده داشته و مصمم باشید.

بنا بر احتمال چهارم، معنای این آیه این است که قضیه را شوخی نگیرید و در اینکه به خوبی در اینجا رفتار بکنید، جدی باشید.

این چهار احتمالی است که در اين آیه شریفه وجود دارد. نظر اکثر علماء این است که ائتمار به معنای مشورت است. دلیل آن هم علاوه بر کثرت این معنا در کتب لغت، این است که در قرآن قرینه­ای بر این وجود دارد و آن قرینه هم این است: «إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوك‏». (قصص/21)

در این آیه ائتمار به معنای مشورت آمده است، البته درعین‌حال آن احتمالات دیگر هم را نمی­شود نفی کرد، اگرچه شاید احتمال سوم یک مقدار اظهر از دیگر احتمالات باشد، ولی آن احتمالات هم منتفی نیست؛ یعنی در حقیقت آیه را با هر یک از آن‌ها باشد، می­شود معنا کرد. به معنای اول اگر باشد این‌گونه می‌شود که «فإن أرضعنَ لکُم فَئاتُوهُنَّ أُجورَهُنّ»، اگر شیر دادند اجرشان را بدهید. «وَ أتمرُوا بینَکم بمعروفٍ»، امر هم دیگر را قبول بکنيد، یا اینکه یکدیگر را به خوبی­ها امر بکنید و یا اینکه مشورت بکنید، یا اینکه بر این مسئله عزم و اراده قوی داشته باشید. بله به‌هرحال به دلیل لغت و به دلیل آیات، آن تشاور و مشاوره یک مقدار اظهر است.

### تأکید آیه بر شیردهی به کودک

اين آیه نسبت به شیردهی تأکید بسياري دارد و اصرار دارد به این‌که کودک از شیر محروم نشود، به لحاظ خواص پزشکی یا خواص عاطفی و روحی و لذا شاید ائتمار به معروف؛ یعنی مشورت بکنید و این شاید کمی اظهر باشد.

# نظر استاد (حفظه الله)

گفتیم آیه را بر اساس هر یک از احتمالات مطرح شده می­توان معنا نمود، البته ما وجهی برای اینکه بتوانیم قاطع یکی از این­ها را مشخص بکنیم، پیدا نکردیم. اگر شما فکر کردید و نقطه­ای را گفتید ما دست شما را می­بوسیم.

البته گفته می­شود که مؤتمر در زبان فعلی این طور است و به معناي مشورت مي­باشد، ولی نمی­دانم اين واژه در زمان قدیم هم به این معنا بوده است، یا نه. مثلاً در زمان پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، حتی عهد جاهلیت.

# طرح يك سؤال

ممکن است کسی سؤال بگوید که در ائتمروا استعمال لفظ اکثر از معنا باشد و در این صورت ائتمروا؛ یعنی همدیگر را امربه‌معروف بکنید و امر همدیگر را بپذیرید و مشورت بکنید و اراده و عزم هم داشته باشید. این احتمال هست، منتهی استعمال لفظ در اکثر از معنا به نظر ما جایز است، ولی در اصول نمی­دانم نظر چیست، ولی ما قدیم می­گفتیم جایز است و الان نظر تازه­ای ندیده­ام.

این یک بحث در مفردات آیه بود.

### 2 ـ بررسی واژه بمعروف

عرفان و معرفت، از دیگر مشتقات اين واژه هستند. اصل معروف درک و شناخت است. به چیز پسندیده معروف هم می­گویند.

معروف از ماده عرف که بیاید، به معنای شناخته‌شده است، ولی بعد منتقل شده به چیزی که به خوبی شناخته شده، نه معروف به معنای شناخته شده و پسندیده شده؛ زیرا چیز پسندیده شده، شناخت بهتری به آن تعلق می­گیرد و از این جهت معروف را به معنای پسندیده و شایسته در مقابل منکر به كار می‌برند، البته منکر هم همین طور است، منکر یعنی چیزی که انکار می­شود و دلیل انکار آن هم این است که مذموم است و لذا منکر به معنای مذموم به کار رفته است و به كار پسندیده و شایسته و ممدوح، معروف گفته می­شود و لذا اصل ماده معروف و منکر همان مورد شناخت، یا مورد نفی و انکار است، اما بعد ـ با آن مناسبتی که به آن اشاره کردم ـ به ممدوح و مذموم منتقل شده است. در معنای معروف بحثی وجود ندارد.

#### معروف شرعي، یا عرفی

تعريف معروف واضح است و بحث تنها در اين است كه منظور از معروف، معروف شرعی است، یا معروف عرفی است.

این مسئله در بحث امربه‌معروف و نهی از منکر هم مطرح شده است که «المعرُوفُ عندَ الشَّّرعِ مقصودُ المعروفِ عندَ الشَّرعِ أو عندَ العُرفِ و العُقلاء».

##### احتمال اول: معروف شرعي

یک احتمال اين است كه وقتی گفته مي­شود که امربه‌معروف، یا منکر كنيد، یا اینجا که می­گوید تئامر به‌ معروف بکنید؛ یعنی معروف عند الشرع که شارع آن را مستحسن شمرده و مستحبش کرده است.

##### احتمال دوم: معروف عقلي

احتمال دوم این است که مقصود از معروف عند العرف و عند العقلا است یعنی آن معروفی که عند العقلا پسندیده شمرده می­شود.

شبیه این مسئله در فقه آمده است، اگر به فقه مراجعه بکنید، یک بحث بسیار پیچیده و دقیقی در آیه شریفه «لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِل‏»(نساء/29) است و قبلاً در مکاسب به آن اشاره کردم، اگر یادتان باشد. همین بحث در اين آيه هم هست كه این‌که گفته شده در اموالتان به شکل باطل تصرف نکنید، بحث است كه منظور کدام است باطل عند الشرع، یا عند العرف؟

از این آیه نمی­شود چیزی را استفاده کرد. از نظر عقلایی باید ببینیم شارع چه گفته و چه روشی باطل و چه روشی درست است. اگر از نظر شارع باطل باشد، آن وقت نباید به آن شکل تصرف کرد، ولی اگر باطل عند العرف باشد، آنچه که دریافت عرفی است، شارع همان را در اینجا تأیید می­كند. چیزی که از نظر عقلایی اکل مال به باطل است، مثل گلدکوئیست عرف می­گوید این کار، کار باطلی است. شرع هم پیشاپیش نظری نداده است.

موضوع آیه باطل عرفی است و آیه وقتی روی آن نهی مي­آورد، آن وقت شرع هم این را تأیید می­کند و لذا باطل شرعی هم می­شود. در امربه‌معروف و نهی از منکر هم همین طور است. اگر بگوییم مقصود از معروف و منکر، معروف و منکر شرعی است، اول باید برویم سراغ شرع و ببینیم از نظر شرع چه چیزی معروف است و چه چیزی منکر، بعد بگوییم این را امر کن آن را نهی کن.

اگر معروف و منکر را عرفی گرفتیم، می­گوید آنچه که عرف و عقلا آن را معروف و یا آن را منکر می­دانند، شما هم امر و نهی بکنيد، البته مادامی که شارع چیزی راجع به این معروف عند العقلاء نگفته باشد.

این‌که می­گوید این را به او امر کن و یا رعایت کن، «قُلْ لَهُما قَوْلاً كَريما»، (اسراء/24) خود این آیه عرف را تأیید می­کند و آن وقت با این آیه شرعي می­شود. شرعی بودنش از قبل نباید احراز بشود، بلکه با خود این آیه شرعي مي­شود و بنا بر این‌که معروف به معنای شرعی باشد از قبل باید شرعیتش احراز بشود

## حقيقت شرعيه الفاظ

در اینجا یک سؤال مهمی وجود دارد که در خیلی جاها مثل حلقات و معالم آمده است و آن بحث حقیقت شرعیه است كه آیا در مثل صلوه و امثال این­ها حقیقت شرعیه داریم، یا نداریم؟ به اين معنا که آیا شارع این واژه­ها را با قید شرعی و با اصطلاح خاص به کار می­برد، یا با همان اصطلاحی که عند العرف و العقلاء است؟ و این آثار زیادی دارد. در اینجا هم همین طور است و ما می­خواهیم بگوییم این معروف یک حقیقت شرعیه دارد؛ یعنی قبل از اینکه این آیه بگوید امربه‌معروف كنيد، شرع گفته است كه این­ها معروف است و این­ها واجب است و يا مستحب است و در مورد منكر هم شرع گفته حرام است و یا مکروه است و این مقصود است؛ یعنی در خود معروف و منکر اشاره­ای به احکام دیگر شرعی است و یا اینکه معروف و منکر همانی است که عند العقلاء معروف و منکر است، مگر اینکه شارع جایی تخطئه نکند كه در این صورت عیبی ندارد كه کدام مقصود است. و صلی الله علی محمد و آله الاطهار